

چکیده

حجاب در لغت به معنی پوشیدن، پرده، عفاف و... است. در قرآن مجید این واژه هفت بار در معنای کلی حایل و مانع به کار رفته است، در فرهنگ اسلامی حجاب تنها یک پوشش ظاهری و مختص زنان نیست و پشتوانه زندگی خانوادگی و اجتماعی محسوب می شود. رویکرد کشف حجاب از دوره‌ی ناصری آغاز شد و در دوره‌ی رضاخان به عنوان یک رویه‌ی حکومتی ابلاغ گردید. این اندیشه در بین اندیشمندان موافقان و مخالفانی داشت، عارف قزوینی و ابوالقاسم لاهوتی شاعران دوره معاصر از جریان کشف حجاب حمایت کردند. هدف این پایان نامه بازتاب کشف حجاب در شعر دو شاعر فوق است. روش کار، توصیفی - تحلیلی است. نتایج حاصل نشان داد: که ابوالقاسم لاهوتی در اشعار خود به موضوع کشف حجاب بیشتر پرداخته است. او حجاب را مایه‌ی ننگ زنان ایرانی می‌دانست و معتقد بود برای رسیدن به پیشرفت و تجدد جامعه، زن ایرانی باید از الگوی پوششی زنان کشورهای غربی و اتحاد جماهیر شوروی استفاده کند و به دلیل زندگی طولانی در کشور شوروی اساساً به وجود دین و رابطه‌ی آن با حجاب اعتقادی نداشت. عارف قزوینی نیز در اشعار خود از زنان ایران درخواست می‌کرد تا حجاب سنتی - بویژه چادر و نقاب - را کنار بگذارند، از نظر او حجاب بر افزایش عفت زنان تأثیری نداشت، بلکه کشف حجاب به بهبود وضعیت معمولی زندگی و فرهنگی آنان منجر می‌گردید.

واژه های کلیدی: کشف حجاب، شعر معاصر، دیوان ابوالقاسم لاهوتی و دیوان عارف قزوینی.